

## اثبات امامت خاصه از طریق تواتر نصوص

### اسامی همه‌ی ائمه علیهم‌السلام

هادی سلیمانی فر<sup>۱</sup>

حمید رضا شاکرین<sup>۲</sup>

### چکیده

امامت امامان معصوم اهل بیت علیهم‌السلام پس از توحید و نبوت، زیربنایی‌ترین عقاید خاص امامیه است. در این پژوهش برای رد ادعای کتاب «الامامة و النص» که مدعی وجود معارض برای نصوص اسامی امامان امامیه علیهم‌السلام در منابع خود ایشان گردیده، تواتر معنوی نصوص مشتمل بر نام همه‌ی ایشان علیهم‌السلام اثبات شده است؛ تا در فرض وجود روایت‌های معارض، اعتبار آن‌ها مخدوش گردد. در این راستا نخست وحدت ارکان تواتر اصطلاحی، نزد دانشمندان فریقین تبیین شده، سپس ۵۵ حدیث (۷ مورد از اهل سنت و ۴۸ مورد از شیعه) مشتمل بر نام همه‌ی امامان علیهم‌السلام، از ۲۱ منبع دست اول شیعه و اهل سنت، با ۹۰ سلسله سند آدرس‌دهی شده است. در مرحله‌ی بعد جهت تبیین تواتر در تمام طبقه‌های راویان، معیار زمانی تقریبی برای هر طبقه‌ی روایی معین شده است. در پایان نتیجه‌ی شمارش راویان هر طبقه، وجود ۲۱ صحابی، ۴۰ تابعی و حدود ۶۰ راوی برای طبقات میانی تا کتاب‌های ناقل آن نصوص است. نیز در برخی طبقه‌ها اختلاف مذهبی راویان بیان شده است.

**واژه‌های کلیدی:** امامت، امامت خاصه، تواتر، نصوص، اسامی ائمه.

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه امیرالمؤمنین علیه‌السلام h1.soleymanifar@chmail.ir

۲. دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، shakerinh@gmail.com

## ۱. مقدمه

امامت خاصه، اثبات امامت برای فرد یا افرادی خاص است که در این نوشتار، به وسیله‌ی تبیین تواتر اصطلاحی در نصوص نبوی مشتمل بر نام همه‌ی امامان امامیه علیهم‌السلام، برای ایشان پیگیری می‌شود. در منابع فریقین، روایات بسیاری از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به تعداد امامان علیهم‌السلام اشاره دارد و در بسیاری از منابع شیعه و برخی منابع اهل سنت، نام همه‌ی آنان علیهم‌السلام نیز ذکر گردیده است. برخی متکلمان شیعه به وجود نص متواتر بر نام امامان امامیه علیهم‌السلام، اشاره و در اثبات امامت یازده امام پس از امیرالمؤمنین علیه‌السلام، بدان استناد نموده‌اند (مفید، ۱۴۱۳، ۴۳؛ علم الهدی، ۱۴۱۰، ۳؛ ۱۴۶؛ حلی، ۱۴۱۳، ۳۹۷؛ فاضل مقداد، ۱۴۲۰، ۳۷۴) هر چند به ذکر آن نصوص و تبیین تواتر آن‌ها نپرداخته‌اند. برخی نیز با وجود ذکر نصوص، به بررسی سندی و تبیین تواتر اصطلاحی آن‌ها نپرداخته‌اند (حر عاملی، ۱۴۲۵).

بر این اساس نوآوری این پژوهش، تبیین و اثبات تواتر نصوص مشتمل بر نام همه‌ی امامان علیهم‌السلام در تمام طبقه‌های روایان است، که تعدادی از آن نصوص در منابع دست اول اهل سنت نیز نقل شده‌اند.

فایده‌ی اثبات تواتر آن نصوص، تبیین برهانی جدید بر حقانیت امامت امامان امامیه علیهم‌السلام و در نتیجه سهولت پاسخ به شبهات مبتنی بر وجود روایات به ظاهر معارض است. از این جمله است شبهات «فیصل نور» در کتاب «الامامة و النص» که به ده‌ها گزارش روایی و تاریخی از منابع شیعه استناد کرده و مدعی تعارض آن‌ها با نصوص نام‌های امامان علیهم‌السلام شده است.<sup>۱</sup>

پرسش اصلی در این پژوهش، آن است که چگونه می‌توان برای اثبات امامت امامان امامیه علیهم‌السلام، تواتر نصوص نبوی مشتمل بر نام همه‌ی ایشان علیهم‌السلام را ثابت کرد؟ پرسش‌های فرعی در این پژوهش عبارتند از: تعریف و ارکان اصلی تواتر اصطلاحی چیست؟ معیار زمانی هر طبقه‌ی روایی چند سال است؟ آیا هر طبقه‌ی

۱. روشن است که در فرض تعارض و عدم امکان جمع عرفی، با اثبات تواتر نصوص اسامی، این نصوص مقدم و حجت خواهند بود.

روایی، به تعداد کافی از فراوانی راویان برخوردار است؟ آیا در میان طبقات راویان، دانشمندان عامه نیز وجود دارند؟

جمع‌آوری اطلاعات و تحلیل داده‌ها در این پژوهش مبتنی بر روش‌های کلامی، روایی و رجالی از دیدگاه فریقین خواهد بود.

## ۲. تعریف تواتر

لغت شناسان عرب با بیان‌هایی کم و بیش متفاوت، تواتر را وصف چیزی دانسته‌اند که به تدریج و پی‌درپی حاصل شود (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۸: ۱۳۲؛ جوهری، ۱۴۱۰، ۲: ۱۴۳؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ۷: ۵۸۰)

اما تواتر در اصطلاح دست‌کم در چهار ساحت علمی یعنی فقه، اصول فقه، حدیث و منطق کاربرد دارد. در ادامه نظر دانشمندانی ارائه می‌گردد که جامع علوم مختلف بوده و یا به علم حدیث و رجال، شهرت بیشتری داشته‌اند.

نخست سخن برخی دانشمندان شیعه ذکر می‌گردد:

شیخ مفید (م ۴۱۳ ق): «...روایتی است که گروه‌هایی که به حد بسیاری و انتشار رسیده‌اند آن را نقل کرده باشند، در حدی که به جهت عرف و عادت اجتماع آنان بر کذب محال است... و گاهی ممکن است جمعی با تعدادی کمتر... خبری را نقل کنند که از شاهد حال آنان و... تفاوت انگیزه‌هاشان دانسته شود که با یکدیگر تبانی نکرده اند...» (مفید، ۱۴۱۳، ۴۴).

علامه حلی (م ۷۲۶ ق): «تواتر عبارت از رسیدن پی‌درپی روایت‌ها به گوش است؛ خبری بعد از خبری...» سپس در چند صفحه‌ی بعد شرط بودن عددی خاص را رد کرده، و پس از آوردن نظرات مختلف از عدد پنج تا پنجاه، چنین می‌نویسد: «و حق بر خلاف این‌هاست و ضابطه‌ای در این مورد نیست و عدد معلومی وجود ندارد...» (حلی، ۱۴۲۵، ۳: ۲۹۹، ۳۱۹-۳۲۱).

شهید ثانی (م ۹۶۵ ق): «آن خبری است که راویان آن در بسیاری تعداد، به حدی برسند که تبانی آن‌ها بر دروغ از جهت عرف و عادت محال باشد». سپس در مورد عدم شرط بودن عدد خاصی از راویان چنین می‌نویسد: «و خبر متواتر منحصر در عدد خاصی نیست؛ بلکه آن‌چه معتبر است عددی است که وصف را [استحاله تبانی...] ایجاد نماید، پس گاهی در برخی راویان با ده نفر یا کمتر حاصل می‌شود و

گاهی با یکصد نفر هم حاصل نمی‌شود...» (جبعی عاملی، ۱۴۰۸، ۶۲).

علامه مامقانی (م ۱۳۵۱ ق): «خبر عده‌ای است که در بسیاری به حدی رسیده اند که تبانی ایشان بر دروغ‌سازی در عرف و عادت محال است...» و پس از آن که اقوال علماء درباره‌ی شرط بودن عدد خاص (از جمله عدد چهار به بالا) را نقل می‌کند، چنین می‌نویسد: «و این اقوال همه باطل است؛ زیرا هر یک از این عددها گاهی مفید علم می‌شود و گاهی نمی‌شود، پس معیار نیست» (مامقانی، ۱۴۱۱، ۱: ۸۹-۹۰).

دانشمندان اهل سنت نیز در تعریف تواتر و بیان ارکان آن تفاوت چندانی با شیعه ندارند:

ابن حزم اندلسی (م ۴۵۶ ق): «خبری است که گروهی کثیر بعد از گروه کثیر دیگر آن را نقل کنند تا به پیامبر ﷺ برسد و این خبری است که هیچ دو مسلمانی در وجوب عمل به آن اختلاف نمی‌کنند...» او گرچه در ابتدا گروه کثیر را مقوم تعریف قرار داده است؛ اما پس از مثال‌هایی برای خبر متواتر، به تفصیل اختلاف اقوال در مورد تعداد لازم برای روایان پرداخته، و در مقام جمع‌بندی، چنین می‌گوید: «...هرگاه دو نفر و بیشتر بیابند که یقین نماییم آنان یکدیگر را ملاقات ننموده‌اند و دسیسه نکرده اند... و هریک حدیثی طولانی نقل کند که ممکن نیست حافظه‌ی دو نفر بر تولید مانند آن به طور اتفاقی هماهنگ شود و هریک آن را بر اساس مشاهده‌ی حسی نقل کند... پس آن خبری راست و مطابق حقیقت است که بدون شک چاره‌ای جز تصدیق آن نیست...» (ابن حزم، الإحکام، ۹۷-۱۰۷؛ نیز رک: المحلی، ۲: ۱۳۵).

ابن الصلاح (م ۶۴۳ ق): او که نزد اهل سنت پدر علم حدیث شمرده می‌شود، در تبیین خبر متواتر چنین می‌نویسد: «... خبر کسانی است که به طور بدیهی از نقل آنان، یقین به درستی خبر حاصل می‌شود و باید این شرط در تمام سند (از ابتدا تا انتها) وجود داشته باشد...» (ابن صلاح، ۱۴۰۶، ۲۶۷).

این تعریف نیز با تعریف‌های گذشته ناسازگار نیست، زیرا به یقین، زمانی خبر نقل شده موجب تصدیق یقینی است که در مورد روایان آن، احتمال تبانی بر دروغ عادات محال باشد؛ چنان‌که او نیز عدد خاصی را شرط ندانسته است.

سیوطی (م ۹۱۱ ق): «و آن حدیث کسانی است که از نقل ایشان، علم ضروری به راستگویی حاصل شود به این صورت که اجتماع مانند آنان بر دروغ ممکن نباشد و از اول سند تا آخر آن [چنین باشد] و لذا عمل به آن، بدون بحث در مورد [عدالت]

رجال آن واجب است و بنا بر أصح، تعداد معینی از روایان در آن شرط نیست...» (سیوطی، بی تا، ۲: ۲۶۷).

البانی (م ۱۴۲۰ ق): «...لکن اگر حدیث با سندهای متعدد و از سوی تعداد زیادی صحابه [به ما] برسد، به آن حدیث، حدیث صحیح متواتر می گویند و حدیث صحیح متواتر یعنی از جهت ثبوت در قوهی قرآن کریم است...» (البانی، ۱۴۳۱، ۲: ۲۸۱).

از تعبیر «تعداد بسیاری صحابه» در بیان این حدیث شناس اهل سنت نیز می توان عدم شرط بودن عدد خاص را استفاده نمود.

جمع بندی تعریف های بالا را می توان چنین ارائه کرد: «خبر دادن روایان از امری محسوس که به دلیل تعداد بسیار آنان یا تفاوت های مذهبی، سیاسی و موقعیتی، امکان تبانی آنان بر حسب عادت وجود ندارد و لذا خبر آنان، مفید یقین است.»

مهمترین ارکان در تعریف تواتر نزد دانشمندان فریقین «عدم امکان تبانی روایان» است که احراز این رکن می تواند معلول سبب هایی مانند دوری مکان زندگی و در نتیجه یقین به عدم ملاقات ایشان، و یا اختلاف عقیده و گرایش های سیاسی آن روایان در موضوع خبر یا غیر آن دو باشد (طوسی، ۱۴۱۷، ۲: ۸۱؛ حلی، ۱۴۲۵، ۳: ۳۲۶؛ مامقانی، ۱۴۱۱، ۱۰۹؛ کتانی، بی تا، ۱۵).

نیز غالب دانشمندان بر عدم لزوم وثاقت روایان و عدم لزوم تعدادی خاص از آنان، تصریح نموده اند که دلیل آن، عدم توقف احراز رکن اصلی تواتر یعنی «عدم امکان تبانی روایان» بر آن دو شرط است؛ چنان که یکی از دانشمندان معاصر در این زمینه چنین آورده است: «در کمترین عددی که تواتر با آن محقق می شود اختلاف کرده اند و حق این است که عدد خاصی در آن شرط نیست، معیار خبر دادن عده ای است که از تعمد ایشان بر دروغ گویی ایمنی حاصل شود» (سبحانی، ۱۴۱۸: ۳۳).

اقسام خبر متواتر دست کم لفظی و معنوی هستند. تواتر لفظی آن است که همه ی روایان، مضمون خاصی را با کلماتی یکسان نقل کنند و تواتر معنوی آن است که همه ی روایان، معنای یکسانی را با جملاتی مختلف بیان نمایند. مانند نقل جنگ های متعددی که حضرت علی علیه السلام نقش مؤثری در آنها ایفا نموده اند که شجاعت آن حضرت، لازمه ی آنهاست؛ لذا آن را متواتر معنوی به حساب می آورند (مامقانی، ۱۴۱۱، ۱: ۱۱۵-۱۱۷).



### ۳. نصوص اسامی ائمه علیهم السلام

پیش از اشاره به نصوص اسامی و شمارش آنها، مشخصه‌های حداقلی مد نظر در نصوص بررسی شده ذکر می‌گردد:

۱. داشتن سند متصل؛ ۲. بیان امامت برای افرادی خاص (ائمه‌ی دوازده‌گانه‌ی امامیه)، که این مقام ممکن است با به کار رفتن لفظ امام یا خلیفه یا وصی، وارث، حجت (به صورت مطلق) و یا هر لفظ ملازم با معنای امامت بیان شده باشد؛ ۳. اشاره به دوازده تن بودن امامان حق (افراد معین) که یا به صراحت یا به صورت ضمنی در روایت‌های مورد استناد وجود دارد؛ ۴. نام همه‌ی دوازده امام علیهم السلام.

از آن‌جا که آوردن متن تمام آن نصوص در این پژوهش امکان‌پذیر نیست، به ذکر متن برخی احادیث از اهل سنت به عنوان نمونه و ذکر منابع دیگر نصوص بسنده می‌گردد. سپس جهت تبیین تواتر نصوص با تعیین زمان تقریبی هر طبقه‌ی روایی و طبقه‌بندی راویان هر سند، تعداد آن‌ها در هر طبقه مشخص و ارائه می‌گردد.

### ۴. منابع اهل سنت و نام امامان علیهم السلام

احادیث فضائل امامان امامیه علیهم السلام در منابع اهل سنت بسیار نقل شده است، اما در موارد محدودی می‌توان احادیثی را یافت که در آن‌ها امامت برای امامان امامیه علیهم السلام با ذکر نام همه‌ی ایشان همراه سند متصل تا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است. در این پژوهش ۷ حدیث با ذکر متن یا آدرس ارائه می‌گردد.

۱. ابن ابی الفوارس<sup>۱</sup> (۴۱۲ ق) در «الاربعون حدیثا من مناقب امیرالمومنین علیه السلام» حدیثی مسند به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را که مشتمل بر نام همه‌ی امامان امامیه علیهم السلام است با تصریح بر امامت ایشان نقل کرده که ترجمه‌ی متن آن، همراه تلخیص چنین است:

«هر که دوست دارد خدا را در حالی ملاقات کند که به او اقبال نموده باشد، پس تو را ولی قرار دهد و هر که دوست دارد، خدا را در حالی که از او راضی است ملاقات نماید، پس پسر تو حسن را ولی قرار دهد او به همین ترتیب همه‌ی امامان علیهم السلام را نام

۱. «امام، حافظ، محقق، رحال، أبو الفتح محمد بن أحمد بن محمد بن فارس ابن ابی الفوارس سهل البغدادي، در ۳۳۸ قمری به دنیا آمد... او به شهرهای بصره، فارس و خراسان سفر نمود و جمع حدیث کرد و تصنیف کتاب نمود و به حفظ و شایستگی و معرفت مشهور بود. در ۴۱۲ بدرود حیات گفت. همچنین خطیب بغدادی به اخذ حدیث از او اعتراف کرده است (ذهبی: ۱۴۱۴، ۱۷؛ ۲۲۴؛ بغدادی: بی تا، ۱: ۳۶۹)

بردند و سپس فرمودند: [این‌ها... ائمه‌ی هدی... هستند] (ابن ابی الفوارس، بی‌تا، ح ۴) این حدیث را شیخ حر عاملی نیز از طرق عامه نقل کرده است (حر عاملی: ۱۴۲۵، ۲: ۹۹ و ۲۶۰).

۳ و ۲. خوارزمی حنفی (۵۶۸ ق) دو حدیث در «مقتل الحسین علیه السلام» (خوارزمی، ۱۴۱۸، ۱: ۱۴۴ ح ۲۳ و ۲۴) مشتمل بر نام همهی امامان علیهم السلام نقل کرده است. یکی از آن دو حدیث چنین است:

«شبی که مرا به معراج بردند خداوند جلیل به من فرمود: ...ای محمد تو و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را از نور خود خلق نمودم... آیا دوست داری ایشان را ببینی... ناگهان دیدم، علی، فاطمه، حسن، حسین، علی بن الحسین، محمد بن علی، جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، الحسن بن علی، و مهدی در یک محل نورانی دور هم جمع هستند... پس فرمود: ای محمد این‌ها حجت‌های من هستند...».

۴ تا ۶. جوینی شافعی (۷۳۰ ق) سه حدیث در «فرائد السمطین» (جوینی، ۱۴۰۰، ۲: ۱۳۳ و ۳۱۲، ۲: ۳۳۱) نقل کرده است. یکی از آن‌ها چنین است:

«وصی و خلیفه ی پس از من علی است و بعد از او دو سبط من حسن و حسین، و بعد از حسین فرزندش علی، و بعد از علی فرزندش محمد، و بعد از محمد فرزندش جعفر، و بعد از جعفر فرزندش موسی، و بعد از موسی فرزندش علی، و بعد از علی محمد، و بعد از محمد فرزندش حسن، و بعد از حسن فرزندش حجة بن الحسن بن علی».

##### ۵. منابع شیعه و نام امامان علیهم السلام

در منابع شیعه احادیثی که نام امامان علیهم السلام در آن‌ها ذکر شده، بسیار است. در این پژوهش ۴۸ مورد که نام همهی ایشان در آن‌ها همراه تصریح به امامت باشد، یافت شد. در ادامه به ذکر منبع آن نصوص بسنده می‌شود:

۷. علی بن ابراهیم (م قرن ۳) در «تفسیر قمی» (قمی، ۱۴۰۴، ۲: ۴۴-۴۵).

۸. ابن بابویه (ق ۳۲۹) در «الامامة و التبصرة» (ابن بابویه، بی‌تا، ۱۱۰).

۹. شیخ کلینی (ق ۳۲۹) در «کافی» (کلینی، ۱۴۰۷، ۲: ۶۸۷).

۱۰. مسعودی (ق ۳۴۶) در اثبات الوصیة (مسعودی، ۱۴۲۳، ۲: ۲۷۱).

۱۱. ابن حمدان خصیبی (۳۳۴ ق) در «الهدایة الكبرى» (خصیبی، ۱۴۱۹، ۳۷۷).  
 ۱۲. ابن عقده (۳۳۲ ق) در «فضائل أمير المؤمنين عليه السلام» (ابن عقده، ۱۴۲۴، ۱۶۴-۱۶۹).

۱۳ تا ۴۰. خزاز رازی (م، ق ۴) بیست و هشت حدیث در «کفایة الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر» (خزاز، ۱۴۱۰، ۳۶-۳۸ و ۴۰ و ۵۶-۵۹ و ۶۱ و ۶۲ و ۷۳-۷۵ و ۷۹ و ۸۰ و ۸۱-۸۵ و ۱۳۶-۱۳۸ و ۱۴۶ و ۱۵۰ و ۱۵۶ و ۱۶۳ و ۱۶۶-۱۶۷ و ۱۷۵ و ۱۷۷ و ۱۸۵-۱۸۶ و ۱۸۷-۱۹۰ و ۱۹۵ و ۲۱۳-۲۱۹ و ۲۴۱-۲۴۳ و ۲۴۴ و ۲۴۶ و ۲۴۸ و ۲۵۵-۲۵۸ و ۲۶۰ و ۲۶۶ و ۳۰۴).

۴۱ تا ۴۳. شیخ صدوق (۳۸۱ ق) دو حدیث در «کمال الدین» و یک حدیث در «عیون اخبار الرضا عليه السلام» (صدوق، ۱۳۹۵، ۱: ۲۵۳ و ۲۵۸؛ همو، ۱۳۷۸، ۱: ۵۸).

۴۴. نعمانی (م، قرن ۴) در «الغیبة» (نعمانی، ۱۳۹۷، ۹۳).

۴۵. طبری (م، ق ۵)، در «دلائل الامامة» (طبری، دلائل، ۴۴۹).

۴۶ تا ۴۹. جوهری بصری (۴۰۱ ق) چهار حدیث در «مقتضب الاثر» (جوهری، بی تا، ۸ و ۹ و ۳۰ و ۳۱ و ۳۲-۳۸).

۵۰. شیخ مفید (۴۱۳ ق) در «الاختصاص» (مفید، ۱۴۱۳، ۲۰۷).

۵۱. ابن شاذان قمی (زنده تا ۴۱۲. ر.ک: خویی: ۱۴۰۳، ۱۶: ۱۷) در «مأة منقبة من مناقب امیرالمومنین عليه السلام و الائمة عليه السلام من طریق العامة» (ابن شاذان، ۱۴۰۷، ۷۱).  
 ۵۲. أبوالفتح کراچکی (۴۴۹ ق) در «الاستنصار» (کراچکی، ۱۴۰۵، ۱۲ و ۱۳۴).  
 ۵۳ تا ۵۵. شیخ طوسی (۴۶۰ ق) سه حدیث در «الغیبة» (طوسی، ۱۴۱۱، ۱۳۶ و ۱۵۰ و ۲۷۰-۲۷۳).

## ۶. تبیین و اثبات تواتر نصوص

نتیجه‌ی بررسی منابع مورد اشاره، وجود ۵۵ نص، مشتمل بر نام همه‌ی امامان امامیه عليهم السلام است. البته برخی نصوص دارای بیش از یک سند هستند. مراجعه به منابع ذکر شده و شمارش اسناد آن نصوص، نشان‌گر وجود ۹۰ سند متصل است. اثبات تواتر معنوی این نصوص و در نتیجه یقین به صدور معنای مشترک امامت (با الفاظ متفاوت)، برای اسامی همه‌ی امامان عليهم السلام، متوقف بر احراز کمیتی قابل توجه برای روایان هر طبقه است که موجب یقین عقلایی به عدم امکان تبانی آنان گردد. پیش از

اقدام به شمارش راویان هر طبقه لازم است معیار زمانی خاصی برای هر طبقه‌ی روایت‌گری مشخص گردد تا بتوان تعداد راویان هر طبقه را بررسی نمود.

### ۷. معیار زمانی برای هر طبقه

برای بررسی راویان هر طبقه، نخست سندها به صورت عمودی چیده شد تا هر ستون بیان‌گر یک سلسله سند از پیامبر ﷺ به کتاب ناقل آن حدیث و ردیف‌های افقی نشان‌گر طبقه‌ی راویان به لحاظ زمان روایت‌گری ایشان گردد. به طور مثال ردیف نخست از بالا، مربوط به صحابه و ردیف دوم تابعین است و به همین ترتیب تا جایی که به مؤلف کتاب‌ها ختم شود. بررسی و مقایسه‌ی تعداد راویان هر سلسله سند که در فاصله‌ی زمانی وفات نویسندگان (کتاب‌های مشتمل بر نصوص) تا رحلت پیامبر ﷺ قرار گرفته‌اند و تقسیم زمان میان وفات نویسنده و رحلت آن حضرت ﷺ بر آن تعداد، نشان‌گر آن است که به طور تقریبی زمان هر طبقه، ۴۰ سال بوده است. ناگفته نماند، تقسیم طبقاتی آیه الله العظمی بروجردی رحمته الله و توضیح ایشان در کتاب «ترتیب اسانید الکافی»، نیز این عدد را تایید می‌نماید (بروجردی، ترتیب، ۱۱۱). مخفی نیست که گاهی یک نفر به دلیل عمر طولانی یا غیر آن، در دو و یا حتی سه طبقه روایت‌گری نموده است.

### ۸. عدم امکان تبانی راویان

پس از طبقه‌بندی راویان بر اساس معیار زمان‌بندی، نتیجه‌ی بررسی و شمارش تعداد راویان هر طبقه، موجب یقین هر منصف حقیقت‌جو، به عدم امکان تبانی آنان است. در ادامه توضیح تکمیلی ارائه می‌شود.

در طبقه‌ی نخست ۲۱ صحابه وجود دارد که از جمله‌ی آن‌ها اصحاب کساء علیهم السلام یعنی حضرت علی علیه السلام و فاطمه‌ی زهرا علیهما السلام و امام حسن و امام حسین علیهما السلام هستند. نیز در همین طبقه وجود راویانی با گرایش‌های مختلف سیاسی، سبب یقین به استحاله‌ی تبانی آنان بر جعل ده‌ها روایتی است که مضمون مشترکشان امامت یکی از صحابه (حضرت علی علیه السلام) و یازده تن از اولاد طاهرین ایشان علیهم السلام است. از جمله‌ی آنان می‌توان به افراد زیر اشاره نمود:

عایشه و ام سلمه علیهما السلام، سلمان و ابوهریره، ابوذر، جابر بن عبدالله و اسامه بن زید، عبدالله بن جعفر طیار و عبدالله بن عمر، عبدالله بن عباس و ابوسلمی پیشکار

پیامبر ﷺ، حذیفه بن یمان و أبویوب انصاری، جارود بن منذر عبدی و عمر بن أم سلمه.

در عصر تابعین، ۴۰ نفر روایتگر آن نصوص هستند که هم به لحاظ تعداد بالا و هم به لحاظ صفات متفاوت سیاسی و غیر آن، امکان تبانی آنان بر حسب عادت محال است. افراد زیر از جمله‌ی ایشان هستند:

کعب الأحبار، سعید بن جبیر، مجاهد بن جبر، سالم بن عبدالله بن عمر (نوهی خلیفه‌ی دوم) و ابو سلمة بن عبد الرحمن بن عوف.<sup>۱</sup>

در طبقه‌ی سوم نیز ۴۰ راوی وجود دارد که در کنار بزرگان شیعه یعنی حضرت باقر علیه السلام و حضرت صادق علیه السلام، عالمان و راویانی از عامه مانند حسن بصری<sup>۲</sup>، شعبة بن الحجاج<sup>۳</sup> و محمد بن المنکدر<sup>۴</sup> قرار دارند. روشن است که تبانی چنین شخصیت‌هایی بر جعل نصوصی مشتمل بر نام همه امامان امامیه علیهم السلام از نظر عرفی محال است.

در طبقه‌ی چهارم تا هفتم نیز به طور متوسط حدود ۶۰ راوی وجود دارد که خود عددی قابل توجه است. یادآور می‌شود که این راویان در بیشتر موارد حدیث‌هایی طولانی و مختلف که همگی مضمونی مشترک دارند را همراه ذکر سلسله راویانی متفاوت نقل کرده‌اند؛ لذا تبانی آنان بر جعل امکان عقلائی ندارد. چنان‌که بر حسب عادت محال است که همه‌ی آن‌ها به طور تصادفی و بی‌خبر از یکدیگر، مرتکب جعل آن مضمون شده باشند.

در طبقه‌ی هشتم نیز ۵۵ راوی قرار دارد که برخی از آنان سنی مذهب هستند، مانند: علی بن سنان موصلی و پسرش علی (خویی، ۱۴۰۳، ۱۲: ۴۶)، أبوجعفر محمد بن لاحق بن سابق بن قرین الأنباری (مامقانی، ۱۴۳۱، ۷: ۳۹۲)، أبو الحسین عبد الصمد بن علی بن محمد بن مکرم الطستی (مامقانی، ۱۴۳۱، ۷: ۳۹۲؛ منصوری، ۱۴۲۸، ۱: ۲۲۵).

۱. او راوی از عایشه، ابوهریره و مغیره است. ذهی او را به حافظ، یکی از اعلام مدینه، فقیه، مجتهد، حجت توصیف کرده است (ذهی: ۱۴۱۴، ۷: ۳۲۰).

۲. مورد توجه مؤلفان صحاح سه بوده و از او (با واسطه) نقل حدیث کرده‌اند و نزد ذهی مقامی رفیع داشته و او را امام در علم و عمل شمرده است (ذهی: ۸: ۱۳۵ تا ۱۵۸).

۳. ذهی او را به «أمیر المؤمنین در علم حدیث، ثبت و حجت» توصیف نموده است (ذهی: ۱۴۱۴، ۱۳: ۲۳۳).

۴. ذهی او را به امام، حافظ، قدوه و شیخ الاسلام توصیف کرده است (ذهی: ۱۴۱۳، ۵: ۲۵۳).

و نیز افرادی در میان راویان طبقه‌ی هشتم، از علمای سرشناس شیعه هستند، مانند: کلینی (م ۳۲۹ ق) در «کافی»، مسعودی (م ۳۴۶ ق) در «اثبات الوصیة»، ابن بابویه (م ۳۲۹ ق) در «الامامة و التبصرة»، ابن عقده (م ۳۳۲ ق) در «فضائل امیرالمؤمنین (علیه السلام)».

اختلاف مذهبی و تعداد بالای راویان در این طبقه (۵۵ راوی)، هرگونه احتمال تبانی بر جعل نصوص اسامی را از بین می‌برد.

در طبقه‌ی نهم نیز ۳۰ راوی وجود دارد که برخی از آنان، راویان و علمای اهل سنت هستند، مانند: ابوالفرج معافی بن زکریا قاضی بغداد<sup>۱</sup> (ذهبی، ۱۴۱۴، ۳۲: ۱۴۴)، محمود بن محمد هروی که شیخ حدیث ابن ابی الفوارس سنی مذهب است (ذهبی، ۱۴۱۴ ق، ۱۷: ۲۲۴).

و افرادی در میان راویان طبقه‌ی نهم، از علمای سرشناس شیعه هستند، مانند: نعمانی (م ۳۶۰ ق) در «الغیبة»، خزاز رازی (م آخر، ق ۴) در «کفایة الاثر»، شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) در «عیون»، «خصال» و غیر آن دو، ابن عیاش جوهری (م ۴۰۱ ق) در «مقتضب الاثر».

اختلاف مذهبی و تعداد بالای راویان، هرگونه احتمال تبانی بر جعل نصوص اسامی را از بین می‌برد.

در طبقه‌های دهم و یازدهم، ۱۴ راوی وجود دارد که بیشتر آن‌ها صاحبان کتاب‌هایی هستند که به نقل نصوص اسامی پرداخته‌اند. برخی از ایشان شخصیت‌های زیر هستند:

ابن ابی الفوارس (م ۴۱۲ ق) در «الاربعون حدیثا من مناقب امیرالمؤمنین (علیه السلام)»، شیخ مفید (م ۴۱۳ ق) در الاختصاص، شیخ کراچکی (م ۴۴۹ ق) در الاستنصار، شیخ ابن شاذان قمی (قرن ۴ و ۵) در مائة منقبة، و شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) در الغیبة.

در میان مؤلفان بالا، امکان تبانی بر حسب عادت محال است؛ زیرا یکی از آنان ابن ابی الفوارس، از عالمان سنی مذهب و مورد توثیق و تایید رجال شناسان اهل

۱. ذهی در سیر اعلام النبلاء او را به علامه، فقیه، حافظ، متفنن و عالم عصر توصیف و مذهب او را جریری معرفی نموده است.

سنت است<sup>۱</sup> او از استادش محمود بن محمد هروی و سند او حدیث را نقل کرده است. روشن است که بر حسب عادت، تبانی او با عالمان شیعه در جعل نصوص امامت امامان امامیه علیهم‌السلام محال است.

مخفی نماند که نزدیک به همه‌ی نصوص و سلسله‌ی اسناد آن‌ها، توسط حدیث‌نویسان قرن‌های چهارم و پنجم نقل شده‌اند که کتب آنان تاکنون در دسترس است؛ لذا چندان نیازی به بررسی تعدد و تواتر راویان طبقه‌های بعد وجود ندارد. این در حالی است که عالمان دیگری از اهل سنت در قرن‌های بعد، بدون اندک تأملی به نقل نصوص متضمن امامت امامان امامیه علیهم‌السلام اقدام نموده‌اند. این خود بهترین مؤید برای صحت نقل عالمان دو قرن مذکور است. از جمله خوارزمی حنفی (م ۵۶۰ ق) که پیش از این دو حدیث از او نقل گردید. همچنین جوینی حنفی (م ۷۳۰ ق) که نصوص متعددی را نقل کرده و برخی از آن‌ها ذکر گردید. نیز قندوزی حنفی (م ۱۲۹۴ ق) که به درستی آن نصوص اعتماد و برخی از آن‌ها را در کتاب خود نقل کرده است.

### نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه گذشت تواتر اصطلاحی نزد علمای فریقین، خبر دادن راویان از امری محسوس است که به دلیل تعداد بسیار یا تفاوت‌های مذهبی، سیاسی و موقعیتی ایشان، امکان تبانی آنان بر حسب عادت وجود ندارد. همچنین در خبرهای رسیده از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، معیار زمانی برای هر طبقه‌ی راویان، بر مبنای تشکیل جدول اسناد نصوص و شمارش واسطه‌های میان مؤلفان تا نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و نیز تایید فقیه حدیث شناس معاصر آیه الله العظمی بروجردی رحمته‌الله، حدود ۴۰ سال است. نیز فراوانی لازم برای راویان در هر طبقه احراز گردید؛ زیرا در طبقه‌ی اول ۲۱ صحابی، در طبقه دوم ۴۰ تابعی و در طبقات سوم تا هفتم به طور متوسط ۶۰ راوی وجود دارد و این راویان در ۹۰ سلسله سند متعلق به ۵۵ نص مشتمل بر نام امامان امامیه علیهم‌السلام وجود دارند که در ۲۱ کتاب شیعی و ۵ کتاب سنی آورده شده‌اند. چنان که در طبقه‌های بعد اختلاف مذهبی راویان با معرفی عالمانی سرشناس از عامه، بیان

۱. پیش از این مقام بلند او نزد اهل سنت از ذهبی و بغدادی نقل گردید.

گردید.

بنابراین تواتر معنوی نصوص اسامی همه‌ی امامان امامیه علیهم‌السلام ثابت است و یقین به صدور مضمون مشترک آن‌ها یعنی امامت امامان امامیه علیهم‌السلام از سوی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم حاصل می‌گردد. لذا با توجه به اعتبار نص نبوی بر امامت، نزد همه‌ی فرقه‌های کلامی (ر.ک: ربانی، ۱۳۸۷، ۲۸۲) امامت ایشان علیهم‌السلام مبرهن و یقینی است.

## فهرست منابع

۱. ابن حزم اندلسی، أبو محمد علی بن أحمد، بی تا، **الإحكام في أصول الأحكام**، محقق: أحمد محمد شاکر، دار الآفاق الجديدة، بیروت.
۲. ....، بی تا، **المحلی**، دار الفکر، بی جا.
۳. ابن ابی الفوارس، محمد، بی تا، **الاربعون حديثاً من مناقب أمير المؤمنين (عليه السلام)**، بی نا، بی جا.
۴. ابن بابویه، علی بن حسین، بی تا، **الإمامة والتبصرة من الحيرة**، مؤسسة آل البيت ع، قم، دوم.
۵. ابن شاذان، محمد بن احمد، ۱۴۰۷ ق، **مائة منقبة من مناقب أمير المؤمنين و الأئمة (عليهم السلام)**، مدرسة الإمام المهدي (عليه السلام)، قم.
۶. ابن صلاح، عثمان بن عبد الرحمن، ۱۴۰۶ ق، **معرفة أنواع علوم الحديث و يعرف بمقدمة ابن الصلاح**، محقق: نور الدين عتر، دار الفكر المعاصر، بیروت.
۷. ابن عقده کوفی، احمد بن محمد، ۱۴۲۴ ق، **فضائل أمير المؤمنين (عليه السلام)**، دليل ما، قم.
۸. البانی، محمد ناصر الدين، ۱۴۳۱ ق، **موسوعة العلامة الإمام مجدد العصر محمد ناصر الدين الألبانی**، مركز النعمان للبحوث و الدراسات الإسلامية، صنعاء.
۹. **بروجردی، حسین، ترتيب أسانيد الكافي، ...**
۱۰. بغدادی، خطیب احمد بن علی، بی تا، **تاریخ بغداد او مدينة السلام**، دارالکتاب العربی، بیروت.
۱۱. ذهبی، شمس الدين محمد بن احمد، ۱۴۱۴ ق، **سير اعلام النبلاء**، محقق: ارنتوط، مؤسسة الرسالة، بیروت، دهم.
۱۲. ....، بی تا، **تذكرة الحفاظ**، دار إحياء التراث العربی، بیروت.
۱۳. ربانی گلیپایگانی، علی، ۱۳۸۷ ق، **امامت در بینش اسلامی**، بوستان کتاب، قم.
۱۴. زبیدی، محمد مرتضی، ۱۴۱۴ ق، **تاج العروس**، محقق: علی شیری، دار الفکر، بیروت.
۱۵. جبعی عاملی، زین الدین (شهید ثانی)، ۱۴۰۸ ق، **الرعاية في علم الدراية**، تحقیق: عبد الحسین محمد علی بقال، مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي، قم المقدسة، دوم.

۱۶. جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۱۰ق، الصحاح- تاج اللغة و صحاح العربية، محقق/ مصحح: احمد عبد الغفور عطار، دار العلم للملايين، بيروت.
۱۷. جوهری بصری، احمد بن عبد العزيز، بی تا، مقتضب الأثر فی النص علی الأئمة الاثنی عشر عليهم السلام، انتشارات طباطبایی، قم.
۱۸. جوینی، ابراهیم بن محمد، ۱۴۰۰ق، فرائد السمطين، مؤسسهی محمودی، بیروت.
۱۹. حرعاملی، محمد بن حسن، ۱۴۲۵ق، إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، انتشارات اعلمی، بیروت.
۲۰. حلی، حسن بن یوسف، ۱۴۱۳ق، كشف المراد، با تعلیقات حسن زاده آملی، مؤسسه النشر الاسلامی، قم.
۲۱. ....، ۱۴۲۵ق، نهاية الوصول الی علم الاصول، مؤسسه الامام الصادق عليه السلام، قم.
۲۲. خزاز رازی، علی بن محمد، ۱۴۱۰ق، كفاية الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر، نشر بیدار، قم.
۲۳. خصیبی، حسین بن حمدان، ۱۴۱۹ق، الهدایة الكبرى، البلاغ، بیروت.
۲۴. خوارزمی، موفق بن احمد، ۱۴۱۸ق، مقتل الحسين عليه السلام، تحقیق: محمد سماوی، نشر انوار الهدی، قم، (دو جزء در یک مجلد).
۲۵. خوبی، ابو القاسم، ۱۴۰۳ق، معجم رجال الحديث، دار الزهراء، بیروت، سوم.
۲۶. سبحانی، جعفر، ۱۴۱۳ق، الإلهیات علی هدی الكتاب و السنة و العقل، المركز العالمی للدراسات الإسلامیة، قم، سوم.
۲۷. ....، ۱۴۱۸ق، اصول الحديث و احكامه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، چهارم.
۲۸. سیوطی، جلال الدین، بی تا، تدريب الراوی فی شرح تقریب النوای، محقق: أبوقتیبة نظر محمد فاریابی، دار طیبیة، بی جا.
۲۹. ....، بی تا، بغیة الوعاة فی طبقات اللغویین والنحاة، تصحیح: خانجی، محمد امین، مطبعة السعادة، مصر.
۳۰. صدوق، محمد بن علی، ۱۳۹۵ق، کمال الدین و تمام النعمه، اسلامیه، تهران، چاپ دوم.
۳۱. ....، ۱۳۷۸ش، عیون اخبار الرضا عليه السلام، نشر جهان، تهران.

۳۲. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۷ ق، *العدة فی اصول الفقه*، نشر محمد تقی علاقندیان، قم.
۳۳. ....، ۱۴۱۱ ق، *الغیبة*، تحقیق: تهرانی، دار المعارف الإسلامية، قم.
۳۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ ق، *العین*، تحقیق: دکتر مخزومی و سامرائی، هجرت، قم، دوم.
۳۵. قمی، علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴ ق، *تفسیر قمی*، دار الکتب، قم، سوم.
۳۶. کراچکی، ابو الفتح، محمد بن علی، ۱۴۰۵ ق، *الاستنصار*، دار الاضواء، بیروت، دوم.
۳۷. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، *الکافی*، تحقیق/تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چهارم.
۳۸. مامقانی، عبدالله، ۱۴۱۱ ق، *مقیاس الهدایة فی علم الدراية*، محقق: محمدرضا مامقانی، مؤسسة آل البيت، قم.
۳۹. مسعودی، علی بن الحسین، ۱۴۲۳ ق، *اثبات الوصیة للإمام علی بن ابی طالب*، انتشارات انصاریان، قم، سوم.
۴۰. مقداد، فاضل، ۱۴۰۵ ق، *إرشاد الطالبین إلى نهج المسترشدين*، تحقیق: سید مهدی رجائی، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجلی، قم.
۴۱. مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ ق، *نکت الاعتقادية*، المؤتمر العالمی للشیخ المفید، قم.
۴۲. ....، ۱۴۱۳ ق، *مختصر التذکرة بأصول الفقه*، نشر کنگره‌ی جهانی شیخ مفید، قم.
۴۳. ....، ۱۴۱۳ ق، *اختصاص*، نشر کنگره‌ی جهانی شیخ مفید، قم.
۴۴. منصور، نایف بن صلاح بن علی، ۱۴۲۸ ق، *الدلیل المغنی لشیوخ أبی الحسن الدارقطنی*، دار الکیان للطباعة و النشر و التوزیع، المملكة العربية السعودية.
۴۵. نعمانی، محمد بن ابراهیم، ۱۳۹۷ ق، *الغیبة*، نشر صدوق، تهران.

